

در اواخر ماه مارس ۱۹۶۰ ک. س. کارول، خبرنگار هفته نامه ((نول ابروانسور)) (۱) در پکن با چوئن لای، نخست وزیر جمهوری توده ای چین، مصاحبه کرد. این مصاحبه در شماره ۱۹ هفته نامه نامبرده، چاپ پاریس، مورخ ۲۰ مارس ۱۹۶۰ انتشار یافت و مورد توجه فراوان قرار گرفت.

((مجله سوسیالیسم)) خوشوقت است که ترجمه فارسی این مصاحبه را - که حاوی مطالب بسیار جالبی است - به نظر خوانندگان خود می‌رساند.



مصاحبه با چوئی. لای

هنگامی که مارک ریبو (۲) و سن وارد تالار وسیع قصر بزرگ ملت در پکن شدیم، ساعت ده شب بود. چوئن لای، نخست وزیر چین، مانو کونگ پونگ (۳) و معاون وزارت امور خارجه و آقای شین (۴)، مدیر اطلاعات، در انتظار ما بودند.

چوئن لای بسیار سر حال بود و با آگاهی به جاذبه شخصی و مهارت خویش در دادن پاسخ سریع به هر پرسشی، بزودی مصاحبه را به یک گفت و شنید تبدیل کرد.

من به انگلیسی صحبت می‌کنم. چوئن لای به آن اندازه بر این زبان مسلط است که می‌تواند مستقیماً پرسش‌های مرا بفهمد و چندین بار بدون کمک مترجم پاسخ دهد.

خواست پکن

پس از یادآوری مختصر خاطره‌های ملاقاتمان در دسامبر ۱۹۶۳ در الجزایر، بلافاصله پرداختیم به

(۱) Le Nouvel Observateur (۲) Marc Riboud (۳) Kung Pong (۴) Chin

حادترین سألۀ : جنگ ویتنام . من به آقای چوئن لای خاطر نشان ساختم که وزیر امور خارجه شوروی در لندن است و انگلستان و شوروی به عنوان رؤسای کنفرانس هندوچین در ۱۹۵۴ ، مسلماً اختیار احضار کنفرانس جدیدی را در دست دارند .

چوئن لای - بلی . بریتانیای کبیر و اتحاد شوروی رؤسای کنفرانس ژنو هستند و اگر بخواهند وظائفشان را انجام دهند ، می بایست ابتدا امریکا را وادار کنند که دست از تجاوز به قرار داد ۱۹۵۴ بردارد . اینست : خواست جبهه ملی آزادی بخش ویتنام جنوبی است . جبهه ملی آزادی بخش می خواهد که ایالات متحده همه نیروهای مسلح و تشکیلات نظامی شان را از ویتنام جنوبی خارج کنند تا ملت ویتنام بتواند به حل مسائلش بپردازد . جمهوری دموکراتیک ویتنام هم خواستی مشابه دارد . حکومت جمهوری توده ای چین ، به عنوان ضامن قرار داد ژنو ، بدون قید و شرط این مطالبات سیاسی جبهه ملی آزادی بخش و جمهوری دموکراتیک ویتنام را پشتیبانی می کند .

امّا امریکائی ها در حال توسعه تهاجمشان هستند . به ویتنام جنوبی سرباز می فرستند و ، در یک ماه ، شش مرتبه جمهوری دموکراتیک ویتنام را بمباران کرده اند . لیکن ، حتی با توسعه جنگ دولت امریکا نخواهد توانست ملت ویتنام جنوبی و جمهوری دموکراتیک ویتنام را وادار به معامله کند . همان طور که یک ضرب المثل چینی می گوید : ((مثل اینست که به قصد شمال ، اسب های درشکه به سمت جنوب رهبری شوند))

حفظ ظاهر

من نقش مدافع شیطان را بازی کردم : شاید منظور امریکائی ها از تشدید عملیات جنگی شان فقط حفظ ظاهر باشد قبل از شروع مذاکراتی که در واقع مایل آنند ؟

چوئن لای نیمه متعجب و نیمه منزجر - حفظ ظاهر ؟ راهزنی که به دزدی مسلحانه دست زده است ، می تواند با انجام دزدی های دوم و سوم ظاهر را حفظ کند؟ انجام چند جنایت جدید برایش لازم است تا آنچه شما ظاهر می نامید حفظ شود ؟ به نظر من ، بهترین راه حفظ ظاهر ، برای آن راهزن ، پس دادن آنچه غارت کرده است می باشد . و بهترین وسیله حفظ ظاهر برای ایالات متحده ، بیرون بردن نیروهای نظامی اش از ویتنام جنوبی و صرف نظر کردن از کشتادن جنگ به ویتنام شمالی است .

- ولی فعلاً جمهوری دموکراتیک ویتنام زیر آتش بمباران هائی است که در مقابلشان به تنهایی نمی تواند از خود دفاع کند .

چوئن لای - اولاً جمهوری دموکراتیک ویتنام می تواند از خود دفاع کند . ثانیاً تهاجم امریکا نسبت به جمهوری دموکراتیک ویتنام سهاجمی است نسبت به تمامی اردوگاه سوسیالیستی . این بدان معناست که ما همگی موظفیم که از جبهه ملی آزادی بخش ویتنام جنوبی و جمهوری دموکراتیک ویتنام ، طبق تعهدات بین المللی که بر عهده ماست ، پشتیبانی کنیم .

ما نمی توانیم سألۀ را به صورت دیگری در نظر بگیریم . تهدیدهای ایالات متحده تنها متوجه جمهوری دموکراتیک ویتنام و سایر کشورهای هندوچین (کامبوج و لاوس) نیست ، بلکه جمهوری توده ای چین را نیز در بر می گیرد . موضع ما بسیار روشن است . شما یقیناً بیانیۀ مورخ ۱۲ مارس دولت ما را خوانده اید و لزومی ندارد درباره آن من به تفصیل سخن گویم .

امریکائی ها هر طور خوش دارند عمل کنند . ما هم هر طور به نظرمان رسید ، عمل خواهیم کرد . بهر حال ، جنگ همیشه بر حسب اراده بشر جریان نمی یابد ، تا چه رسد به اراده امپریالیسم امریکا .

من از نوکوشش می کنم با یادآوری این مطلب که در طول جنگ های هندوچین و الجزایر ، فرانسه در مرحله قبل از مذاکرات صلح ، کوشش نظامی اش را تشدید کرده بود ، جانب مذاکره سیاسی را بگیریم . امّا به نظر آقای چوئن لای این تشبیه خالی از ارزش است .

چوئن لای - فرانسه از جنگ های استعماری درس گرفته است . می داند که نمی توان درین جنگ ها پیروز شد . به این دلیل ، من هرگاه دوستان فرانسوی را ملاقات می کنم ، می پرسم : ((چرا از تجاربتان متحدین

امریکائی نان را بهره مند نمی کنید ؟)) و هر بار که دوستان امریکائی را می بینم ، سؤال می کنم : ((چرا قادر به ایجاد یک دوگسل نیستید ؟)) .

پس از سؤال ویتنام ، می پردازیم به سؤال روابط بین چین و شوروی . من به آقای چوئن - لای گفتم که اغلب مفسرین اروپائی معتقدند که عطیات اخیر امریکائی ها در آسیای جنوب شرقی سبب نزدیکی دو کشور بزرگ اردوگاه سوسیالیستی خواهد شد . ولی مثل اینست که تجربه عکس این نظر را ثابت می کند .

چوئن لای - نزدیکی یا دوری ، این فقط نوعی عرضه کردن قضایاست . باید به بطن سؤال توجه کرد . اگر ایالات متحده به کوشش برای ترساندن مردم اکثفا کنند ، بعضی ها خواهند ترسید و بعضی دیگر نه . در چنین حالی ، عدم توافق و حتی عدم توافق مهمی بین این دو دستا برور خواهد کرد . اما اگر ایالات متحده فقط به تهدید اکثفا نکنند و واقعاً بخواهند جنگ وسیعی ایجاد کنند ، آنوقت ملل چین و شوروی وحدت خویش را بوجود خواهند آورد . این حقیقتی است . خوب این نکته را به خاطر بسپارید و خواهید دید که تاریخ آن را تأیید خواهد کرد . به همین دلیل ، پرزیدان جانسون که بر روی طناب جنگ می رقصد و نمی داند چگونه عقب گسرد کند ، با غافلگیری هائی رو به رو خواهد شد .

جمله اخیر را چوئن لای با چنان لحنی ادا کرد که تقاضای توضیح بیشتر به نظر سرم بسی فایده رسید .

پس از آنکه نخست وزیر چین تصدیق کرد که اختلاف های موجود در جنبش کمونیستی تنها به مسائل سیاست بین المللی - هر اندازه پراهمیت باشند - منحصر نمی شود ، از ایشان پرسیدم : در حالی که چین از شرکت در کفرانس های بین المللی کمونیستی ، از قبیل تجمع اول مارس در مسکو ، امتناع می کند ، این اختلافات چگونه ممکن است از میان برداشته شوند . آقای چوئن لای به آرامی پاسخ داد :

چوئن لای - ما بارها گفته ایم که شرایط برای تشکیل یک کفرانس (بین المللی) هنوز آماده نیست و ، در نتیجه ، نباید شتابزدگی کرد . و گرنه ، نتیجه خلاف انتظار خواهد بود . پس بهتر است ، بجای تشکیل چنین کفرانس هائی ، ملاقات های دوجانبه و چند جانبه ترتیب داد . علاوه بر این ، یک کفرانس بین المللی الزاماً نقش قاطع را بازی نمی کند .

وقتی خروشچف در حکومت بود ، دو کفرانس بین المللی تشکیل شد . پرزیدان مائو سه دون شخصاً در اولین کفرانس مسکو در ۱۹۵۷ شرکت کرد و پرزیدان لیو شائوشی در دومین کفرانس که در سال ۱۹۶۰ برگزار شد . اعلامیه هائی که پس از پایان این کفرانس ها انتشار یافت ، بد نبودند . بسیاری از اصول انقلابی در آن ها گنجانده شده بود . اما این مانع از آن نشد که خروشچف سر خود و با بی اعتنائی کامل نسبت به محتوی آن اعلامیه ها رفتار کند . ملت های جهان خواهان انقلابند و بدون کفرانس بین المللی هم انقلاب می کنند .

برگردیم به جلسه اول مارس . این در واقع همان جلسه ای است که به دستور خروشچف در ۳۰ ژوئیه ۱۹۶۴ برای ۱۵ دسامبر ۱۹۶۴ احضار شده بود و سپس صاف و ساده به وقت دیگری برده شد . این همان جلسه انشعاب طلب است . پس از روی کار آمدن رهبران جدید شوروی ، ما به آن ها امید بسته بودیم . من خود در سال گذشته ، به مناسبت جشن انقلاب اکثبر ، به ابتکار خود مان به مسکو رفتم . حزب کمونیست چین یک هیئت نمایندگی به آنجا فرستاد و حتی پیشنهاد کرد که دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز چنین کنند . من به شوروی ها توضیح دادم که جلسه ۱۵ دسامبر جلسه انشعاب طلبی خواهد بود و ازین رو تشکیل آن را نمی کردم . پس از سقوط خروشچف ، آیا برای آن ها آسان نبود که این کفرانس را لغو کنند ؟ درین مورد است که سؤال ((ظاهر)) ، طبق اصطلاح شما ، نقشی بازی کرد : شوروی ها لجوجانه به جمع آوری میسرات خروشچف پرداختند و جلسه اول ماه مارسشان را تشکیل دادند !

پیروزی کرالا

سپس آقای چوئن لای، برای اثبات آن که این جلسه به جنبش کمونیستی زبان می‌رساند چند نمونه آورد و بخصوص در مورد حزب کمونیست هند و رهبر طرفدار شوروی حزب مزبور دانتز (۱) بیشتر توضیح داد:

چوئن لای - دانتز به نظر ما مرتد است. ملت هند کوچک ترین اعتمادی به او ندارد. کمونیست های هندی رسوایش کرده اند به علاوه اغلب رهبران حزبی را ترك گفته اند. تعداد بزرگی از کمونیست های انقلابی هند به دست حكومت هند به زندان افكند شده اند و در حالی كه دانتز سوگنی همین حكومت شده است. نتیجه انتخابات کرالا بسیار آموزنده است. از هشتاد كاندیدای دانتز تنها دو نفر انتخاب شدند و حال آن كه از هفتاد و چند نفر كاندیدای حزب کمونیست انقلابی چهل و سه نفر انتخاب گردیدند. اكثر آنان اکنون زندانی هستند. این يك نمود استثنائی در تاریخ جنبش كارگری هند است. مع الوصف، حزب کمونیست اتحاد شوروی دانتز را به جلسه اول مارس دعوت كرد. بنا براین، چه كس در نهضت كارگری خرابکاری می كند؟ چنین استنباط كردم كه قضیه كفرانس اول مارس و برخلاف تصور برخی از مفسرین اروپائی، برای آقای چوئن لای يك مرحله بی اهمیت نیست و حتی برعكس، برای جنبش كارگری جهانی عواقب طولانی و وخیمی در بر خواهد داشت. اما برای بسط مباحثه به نخست وزیر چین گفتم:

- در طول اقامت در چین و با تعجب می بینم كه مسائل مربوط به آسیا و افریقا و امریکای لاتین برای چینی ها حق تقدم مطلق دارند. آیا فكر نمی كنید كه مبارزه برای سوسیالیسم در اروپا بهمان اهمیت باشد كه - این کشور را بر حسب تصادف نام می برم - مثلاً مسأله سوسیالیسم در مالی (۲)؟

نخست وزیر چین به سوال من با كمال دقت گوش كرد و به نظر نرسید كه كوچك ترین لحن مجادله آمیزی در آن یافته باشد.

چوئن لای - شما دو موضوع مختلف را با هم اشتباه می كنید. اگر طبقه كارگر اروپا انقلابش را به پیروزی برساند، بطور مسلم این امر اهمیت بسیاری خواهد داشت. و، اگر انقلاب در ایالات متحده امریکا پیروز شود، برد باز هم بیشتری، بر دی جهانی، خواهد داشت. مارکس و انگلس به چنین انقلاب هائی بسیار فكر کرده اند.

چون ما مارکسیست - لنینیست هستیم، طبیعی است كه اهمیت بسیاری برای نشر افكار انقلابی در جنبش كارگری قائلیم. اما كدامند نخستین مناطقی كه دارای يك موقعیت انقلابی هستند؟ زیرا اول لازم است كه يك موقعیت انقلابی وجود داشته باشد تا انقلاب بتواند سر باز كند. بطور عینی، موقعیت های انقلابی قبل از همه در نواحی عقب افتاده پیدا می شود. مارکس و انگلس پیش بینی نكرده بودند كه انقلاب پرولتاریائی در روسیه عقب مانده پیروز خواهد شد. لنین عقیده متفاوتی داشت و از روی تجربه چنین ارزیابی می كرد كه انقلاب و به احتمال قریب به یقین و در شرق عقب افتاده سر بلند خواهد كرد.

سوسیالیسم اروپائی

بنابراین، گرچه جنبش كارگری در اروپا و امریکای شمالی بسیار بر اهمیتند و هنوز در این قاره ها موقعیت انقلابی عینی وجود ندارد. در حالی كه در آسیا و افریقا و امریکای لاتین - و علی الخصوص در آسیا و افریقا - امروزه مناطقی هست كه به مناسبت فشار وحشیانه امپریالیسم و اغتشاش هائی كه در همه جا ایجاد می كند، در آنجا يك موقعیت انقلابی عینی وجود دارد. این وضع به پیش انداختن انقلاب های جدید كمك می كند. بدین مناسبت است كه این مناطق باید توجه ما را بیشتر به خود جلب كنند. البته این بدان معنی نیست كه مابه نقش نهضت كارگری در اروپا كم بها می دهیم.

درین موقع، آقای چوئن لای به ساعتش نگاه كرد و لابد برای آن كه به من بفهماند كه ما

(۱) Dange

(۲) Mali

مسائل سوسیالیسم را در اروپا در آن شب حل نخواهیم کرد . ولی ما هنوز هیچ يك از
مسائل داخلی چین را به میان ننگیده بودیم . پس مؤالی را كه غالباً در اروپا
 مطرح می شود ، پیش کشیدم :

- آیا در چین روش های استالینی به کار -
می رود ؟ شما اغلب از اداة « اگر نه از تشدید ،
 مبارزة طبقاتی در چین صحبت می کنید . آیا
 استالین ، در گذشته ، با طرح يك تشوری
 تقریباً مشابه ، سرکوب وسیع مردم را در شوروی
 توجیه نمی کرد ؟

چون لای - در باره اوضاع و احوال
 داخلی شوروی ، ارزیابی های استالین اغلب
 اوقات تغییر کرده است .

(آقای چون لای نشان داد كه
 می توانیم این سأل را كناریكذاریم ،
 اما از توضیح در باره نظریه چین
 درین مورد ایا نكسرد) :

چون لای - انقلاب چین با سحر و جادو
 طبقات اجتماعی را كه در كشور ما وجود داشتند ،
 از میان نبرده است . این طبقات هنوز وجود دارند
 و آنجا كه طبقات هست مبارزة طبقاتی ادامه دارد .
 ما اشتراكگران را از مالكیت وسائل تولید محروم
 كردیم ، و آنرا نه بطور فیزیکی از میانشان برده ایم
 و نه به سرزمین های دست نخورده یا نواحی
 دور افتاده تبعیدشان کرده ایم . زمین داران
 سابق و دهقانان ثروتمند كه تقریباً هفت درصد
 (۷٪) جمعیت را تشكيل می دهند در ده های

خود مانده اند و مثل بقیه كار می کنند . امروز ، پانزده سال بعد از انقلاب ، عده ای از آن ها از تفریبات بافته اند
 و به انسان های كاری بدل شده اند . اما هنوز بسیاری از آن ها به عقاید اشتیاری شان چسبیده اند و احساسات
 دشمنانه ای دارند .

در مورد بورژوازی ملی - كه كم و بیش شامل يك میلیون نفر می شود - وضع كمی فرق می كند . بورژوازی ملی
 كه از چنانكاری شك ناراضی بود ، با در انقلاب شركت داشت ، با به آن ابراز همبستگی كرد و با از مخالفت با آن
 خودداری نمود . پس از رفتن چین ، عناصر بورژوازی ملی همگی از حقوق مدنی خویش برخوردارند . در مرحله
 انقلاب سوسیالیستی ، سیاست حكومت ما نسبت به آن ها عبارتست از خرید كارخانه هایشان با پرداخت بده
 نفع سالانسه .

پس این واقعیتی كه در چین زمین داران سابق و عناصر بورژوا هنوز وجود دارند . مهم تر ازین ، نفوذ
 عادات جامعه سابق هنوز نسبتاً شدید است . حتی از میان آنان كه در جامعه نو بزرگ شده اند ، برخی نسبت
 تأثیر این نفوذ قرار می گیرند و به فعالیت های غیر قانونی اشتغال دست می زنند . ازینجاست كه عناصر جدید
 بورژوا پیدا می شوند . ماركسیست ها ، اگر نمی خواهند بگویند كه این افراد به خرابكاری می پردازند و اشخاص دیگر
 را نیز قانع كنند ، نباید ازین واقعیت ها نا آگاه باشند .



و نیز با دشمنانی خارجی داریم که می کوشند، ایجاد افشاش کنند، امپریالیسم امریکا و نوکروش چیان - کای شک دلا بقطع عده بسیاری از مأمورینشان را به اینجا می فرستند. به همه این دلائل است که ما بطور مداوم با آوری می کنیم که طبقات و مبارزه طبقاتی به حیانتشان ادامه می دهند و ملت را به هوشیاری انقلابی فرا می خوانیم.

استشارگران، هنگامی که امکان داشتند از اشتیازاتشان با اسلحه دفاع کنند، هرگز برای بکار بردن همه وسائل که در اختیار داشتند - حتی شدیدترین آن ها - علیه ما تردید نکردند. اکنون که ما قدرت را به دست گرفته ایم، قبل از هر چیز روی روش تربیتی حساب می کنیم. ما به استشارگران سابق می گوئیم اگر ما بملد به وطن خدمت کنند از نوعی توانند تربیت یابند. ما سیاستمان را به این ترتیب اجرا می کنیم: در موارد غرض - بکاری (سایوناز)، تا آنجا که ممکن است هرچه کمتر به زندان و از آن هم کمتر به اعدام متوسل می شویم. فشار شدید فقط در مورد تخلف های عظیم نسبت به قانون، هنگامی که زندگی عده ای دیگر در معرض خطر قرار می گیرد، بکار برده می شود.

یک سازمان ملل متحد دیگر

شما در اروپا دارای سابقه طولانی شاه کنش هستید. در مملکت ما، آخرین امپراطور مشول غرضی شده است. وی نه تنها اعدام نشد، بلکه در ((مجمع شورشی سیاسی ملت چین)) عضو است و خاطراتش را هم منتشر کرده است. می توانیم همچنین وضع یکی از مهم ترین ژنرال های کوئومین تانگ (۱): تویو - جینگ (۲) را نمونه بیابیم که سال ها علیه ما جنگید. در ضمن جنگ هوی های (۳) بر راس ششصد هزار سرباز قرار داشت، ولی سرانجام اسیر شد. اکنون وی نیز عضو مجمع شورشی سیاسی ملت چین است. همه این افراد - و من می توانم باز هم نمونه های بسیاری برایتان نقل کنم - کمونیست نیستند و کمونیست هم نخواهند شد. ما هم تا این حد متوقع نیستیم، تنها چیزی که بطور قاطع از آن ها می خواهیم اینست که شرافتمندانه برای مملکتشان کار کنند.

پس از آن که ترجمه ترجمه این گفتار مفصل را به پایان رساند، دیگر برای دانستن این که وقت خانه دادن به محاسبه فرا رسیده، نیازی به نگاه کردن به ساعت نبود. با وجود این، به عنوان آخرین سؤال پرسیدم:

- شما درباره پیشنهاد ژنرال دوگل مبنی بر تجمع پنج قدرت بزرگ به منظور مطالعه و بررسی و فورم سازمان ملل متحد چه فکری کنید؟

چون لای - چین به هیچوجه کاری با سازمان ملل متحد ندارد. چین به سازمان ملل متحد کوچک ترین توجهی نمی کند. پانزده سال است این سازمان که به دست امریکا می چرخد، چین را از حقوق مشروعش محروم کرده است.

چرا چین در نظر نگیرد که اصلاً وارد سازمان ملل نشود؟ چرا تأسیس یک سازمان ملل متحد دیگر که انقلابی باشد مورد توجه و بررسی قرار نگیرد؟

من اخیراً در پکن در حین ضیافتی که به افتخار دکتر سوباندریو (۱)، وزیر امور خارجه اندونزی داده - شده بود، این مطلب را گفتم. علاوه بر این، چین یک پیشنهاد مثبت کرده است، و آن این که: سازمان ملل متحد اشتباهاتش را تصحیح کند و تن به یک تجدید سازمان اساسی بدهد. این پیشنهاد را بسیاری از کشورهای آسیا و افریقا پشتیبانی کرده اند. ژنرال دوگل هم در اظهاراتش از آسیب هایی که سازمان ملل متحد، زیر نظر امریکا، ببار آورده انتقاد کرده است. و این بسیار خوب است.

آیا موقع برای تجمع پنج قدرت بزرگ مناسب است؟ به نظر من، در حال حاضر این سؤال به هیچوجه مطرح نیست. چگونه این مجمع تشکیل خواهد شد؟ با شرکت ایالات متحده؟ بین سفرای چین و امریکا ده سال است که مذاکرات ادامه دارد. تا بحال حد و بیست و پنج مرتبه در ورتو یکدیگر را ملاقات کرده اند.

(۱) Kuomintang

(۲) Tzu Yu-hsing

(۳) Houhaihai

(۱) Dr. Subandrio

می دانید از چه صحبت می کنند ؟
حتماً نمی دانید ! سفیر ما به سفیر آمریکا پیشنهاد یک توافق اصولی بر سر دوتکه کرده است : یکس در باره همزیستی سالت آمیز . روزیونیت ها می اند که چین با همزیستی سالت آمیز مخالف است .
امریکائی ها با بوی و کرنا این اتهام را تکرار می کنند و دولت هند این هورا شعکس می سازد . با وجود این ،
ما پیشنهاد توافقی در مورد همزیستی سالت آمیز به آمریکا کرده ایم .

اما مسلم است که همزیستی سالت آمیز باید بر اساس بعضی اصول پایه گذاری شود . در حالی که
ایالات متحده دور تا دور چین پایگاه های نظامی مستقر کرده اند و سرزمین چینی تایوان (۱) را اشغال
نموده اند ، ممکن نیست از چین توقع داشت که با ایالات متحده به همزیستی سالت آمیز بپردازد .

آنگاه چوئن لای پنج اصل را که با نیرو در سال ۱۹۵۴ تنظیم کرده بود برشمرد .
بر اساس این اصول ، چین با بسیاری از حاکم آسیائی و افریقائی قرار داد های صلح و
دوستی با قرار داد های دوستی و عدم تجاوز بسته است . چوئن لای چند نمونه
آورد و سپس یاد آورد که این پنج اصل در طول مذاکرات سفرای چین و آمریکا
به تفصیل مورد بحث قرار گرفته اند ، ولی ایالات متحده نخواستند آن ها
را قبول کنند .

چوئن لای - نکته دوم اینست که امریکائی ها باید اصل تخلیه نظامی تایوان و تنگه تایوان را به
پذیرند .

ایالات متحده حرات پذیرفتن این اصل را هم نکرد . به این مناسبت که ده سال مذاکره به هیچ جا
نرسیده است . بعلاوه ، امریکائی ها هنوز چنان گوی شک را به عنوان نایبند چین به رسمیت می شناسند . در
این وضع ، چگونه می توان پنج قدرت بزرگ را گرد هم آورد ؟ وانگهی ، این پنج قدرت حق ندارند در باره
امور جهان تصمیم بگیرند . همه کشورهای جهان ، بزرگ و کوچک ، باید برای این کار جمع شوند . چین با
این اصل که پنج قدرت بزرگ می توانند همه چیز را به انحصار خود در آورند ، موافق نیست .

چین بر اساس پنج اصل مذکور حاضر به همزیستی سالت آمیز با تمام کشورهاست . فرانسه را در نظر
بگیریم : ژنرال دوگل یک مرد سیاسی بورژوا است و عقایدش با عقاید ما بسیار متفاوتند . اما در حال
حاضر بین چین و فرانسه هیچ کشمکش و اختلاف منافع مستقیمی وجود ندارد . مسلم است که چین با جنبش
کارگری فرانسه همبستگی دارد ، لیکن اگر هر دو کشور اصل عدم مداخله متقابل در امور داخلی را بپذیرند -
همان طور که اکنون پذیرفته اند - بخوبی می توانند همزیستی سالت آمیز کنند و حتی در بسیاری زمینه ها
همکاری نمایند .

با این پیام آرام و خوشبینانه ، گفت و شنید ما پایان می یابد . آقای چوئن لای وادار
به سنت بزرگ نزاکت چینی ما را تا پای اتوبوس همراهی می کند . ساعت درست نیم
بعد از نصف شب است . صاحبی دروساعت و نیم طول کشیده است .

(ک . س . کارول)

K.S. Karol

(۱) Taiwan



منبع: مجله سومنیلیسم، ارگان جامعه سومنیلیست های ایرانی در اروپا

نور دوم، شماره ۴ - خرداد ۱۳۴۴ / ژوئن ۱۹۶۵

تاریخ انتشار در سایت سازمان سومنیلیست های ایران در شهریور ۱۳۹۰ - سپتامبر ۲۰۱۱